

### ب. نام خدای آفریننده ازدواج

ازدواج غلط و خرد حافظی بالذکر در مرد - و خدا حافظی با آینه در زن  
امام علی (ع) ۸ هجری خردی نیست که برای انجام آن نیاز به شناخت نباشد.   
سوره اسراء (۳۶) ۸ از آنجایی که در مردان علم آگاهی نادرید بیوس نیستند.  
چرا؟ چگونه؟

چرا ازدواج کنیم؟

دلایل جوانی برای ازدواج ۸ خوشگلی و خوشبختی و در زنی بودن - موی بلند - برای تمام و غلبه  
باداشتن تمام بیبی ها صلب عاشق - برای چشم و حکم جسمی - برای فرار از محدودیت ها - رمانتیک  
برای در آسودن از تنهایی و در گذشتن - به خاطر نقطه ضعف خود و نقطه قوت دیگر (زیر سایه کسی رفتن)  
عاشق جدا (عاشقی بدون زن و بختی بدون مرد) - ترکم - سفلی  
مهر محبت - ترس از تنهایی - به اصرار والدین - مانع جواهر دیگر بودن  
لبخاری با خانواده - بازیگر و عیبی - دو انان خوب لزوماً شریک خوبی نمی شوند - روکم کنی (حسدی)  
بقای نسل - مطلقه جنسی (توان شایسته) - که نقش نلزد و خوشبخت شدن

### ۲

چرا ازدواج کنیم؟ (بالا رفتن از لوله دو نفره بهتره) ۱ لذت از مسیه و کم شدن احساس استغنی خدای در مسیه  
۲ دامن آنگلیزه به یکسلیقه ۳ حمل تعدادی از بارهای مشترک (فشار کمره خراشیده)  
۴ قلاب رفتن برای هم ۵ کم شدن اشتباهات (دو زاویه دید در عقل و توسعه کردن) حفظ هم صبر شود

- ۱ رسیدن (نه خون و ماسین و پول بی تر) و خوشبختی بیشتر و خوشبختی بلند و قد بلند و دراز و روم
- ۲ مصون شدن از خطاها (بطرف شدن نیارها)
- ۳ آرامش (توان) ۸ برای بر همه آفریننده که در کنار او آرام باشد

از دوام محدودیت؟

مطهری (۴) از دوام بیان محدودیت نه آغاز محدودیت

(۵) افزاین روزی (۶) تربیت فرزند صالح در خانواده (۷) افزایش سوابق پندگویی در رسد

رفت کسین وعادت و تنهایی و غذای خودم به خودم به نفس بجای تولد

صوفی و کلمه خرد با بس این عالم که جفت بودن یعنی از آن است

(۳)

قسمت و استخاره

قسمت ۸ در سرنوشت تو چنین راه وجود دارد اما تو انتخاب می کنی (خدا ص دونه که وصم راه روانی)

استخاره ۸ طلب خیر در صورت که بودن و به تیب نرسیدن

۱۰۰ بار طلب خیر کن (به فرزندان) هم بعد از مردم سوالت رد می پرسد و خدا جوابت را در عمل

مردم می گذارد یاد دلت می اندازد (بسیار استخاره از آن استخاره)

۱۰۰ بار اسم صادقی (۶) ۸ که طلب خیر کردی صورت کلمه کردی و به تیب نرسیدی می توانی

از قرآن استخاره کنی

(۱) انراطیون ۸ آب می خوره قرآن باز می کنی (۲) نفرطیون ۸ می که عقل داری این کار صی

(۳) اعتقالت ۸ وقتی با صورت و عقل منطق به جایی نرسی سراغ قرآن

(۷)

مثال ۸ زنی که بار ارضی تو نبی بلدی مردم که نمی دونن خدا صی دونن عجب استخاره بیسی از دوام صی خوبی و صی خدای دون

از دوام مسائل بیرون داره که فقط خدا صی دون

الله به اومد که کلمه صی

الله خوب اومد که تازه شروع برای تحقیق و بررسی اوستاره و سوال و جواب

بقره

۲۱۶ ۸ صی بسیار صی که از آنرا راحت دارید اما صی قوی این کار

استخاره ام کلمه صی خوب خدا صی خوب ما فرود داره

خدا اومد آورد تو را این صی صی صی

موضوع: کسی که انتظار پروانه دارد امید یوی کل (بده) خوب می خوابی (خوبی کن)

زمان استخاره ۸ قبل از شروع نماز استخاره (بعد از اولین جلسه مناسب) یا قبل از اولین جلسه

از هر کسی بخوانیم استخاره بگذرد ۸ فرد عالی که آشنا به ما می باشد و می تواند موضوع را با آن استخاره (نام صاف)

ما را ۸ دلگسوز - مرتب در تیره مریون **ببین**  
آجی ۸ فدا دار دلگسوز - راهها روشن طبع **عصبی عجزول**  
ما با ۸ مریون - عاشق خانوادگی - **ظلمت** - **بصرف عصبی**  
خاله مریوم ۸ متوجه طبع - فوق العاده مریون **کنند**  
مریون ۸ - شوخ ۳ - دلگسوز ۲ - خود مریون

در روی مری منقش کنی خوابی قدرت داشته باشی ۸

عصبی و بی خانمان - خجالتی و پر دبی زیاد - بی ایمان - بی ادب - دروغ گو - لیس و چرت  
خند و لاسی - خسیس - خندی زیاد (رفیق با نه) - افراد و تفریط در عمر حریف - بی عملیت - اخف  
مهاد - شرور به - کول خود را شناخته - عجز زیاد - نه مریون که مریون کرا - متقل  
به اخلاق و بی حوصله - حاس با مریون - صبور زیاد - ظالم - مری - کوشش به  
بنیان کار - افسرد و ضعیف - دعوا

در روی مری خود هم که منقش خواهم مثل من ۸ شناخته - کول - خند - خسیس - لیس بی ادب - ضعیف و ناامنی  
اخوانی

صاحب سوپر مارکت عالم ۸ با ایمان خندی زیاد - صفا - شوخ و خنده خوش اخلاق و با مریون صادق  
پاکش و وظیفه شاس - عاشق تفریح و خانواده - نجیب - شجاع - عاشق شوخی با ش (احقر ام) سالم

امام صادق (ع) و وقتی تعیین در ازدواج رفتی ... در وقت نماز ... زیبا بی - زیبا بی - زیبا بی

۶) معیار رعی ایران ۸ خجابت - زیبا بی - زیبا بی

۷) معیارهای ازدواج ۸ ایمان - کفایت - بلوغ و قضا - امانت - سلامت جسمی و روحی و ...

۱) ایمان و اخلاق ۸ آنکه دین دوست داشته باشد که آنرا الهامی می داند  
الحاله این دوست ندانسته باشد بخلاف اخلاق ایمانی که راه صیبری می آید و اذیت نمی آید  
طایفه ایمان ممتاز و درجه نیست ... معیار امانت - درسی از آیه، آیا حرف خدا توستی می آید؟  
البته کسی با ایمان باشد از دست شریک خوبی نمی آید

۲) کفایت ۸ تناسب دانستن و سازگاری ... جان عقلی که برای پروراندن باید هم اندازه باشد تا او را ...

و غیره ... نه به باید بینی که هست قبول داری یا نه  
در ازدواج عملی شده بلند هم نمی آید انتظاری برای تقیه ندانسته باشم

اعتقادی - تاریخی - ادعایی - اعتقادی - فرهنگی - ظاهری - سیاسی - تحصیسی  
دینی ۸ دینتوانایی

۱) اعتقادی مذهبی ۸ آیه دینی ندانند که عقاید باشند - اما چون کلام به بیسی چه که عقیده در زندگی و عمل کردند

۲) ندرت ۸ (سال ماکه ۸) رفتارمانند ندرت ما - فایده ندرت تقریباً بی باشد تا کسی هم وجود ندارد  
آنکه حواس است به هم آید به ایمان و خوشی احتمالاً نشان به زن نشان بیستی در عکس  
که فراموش می کند یا تو این کار را

ازدواج در ایران با شرایطی است و صحت روحانواده با هم یکی است

موضوع بهترین زنان نما زنان حقیق والدین و غلبه (سیاست و اقتصاد)

از و اجماع فقهی استخراج

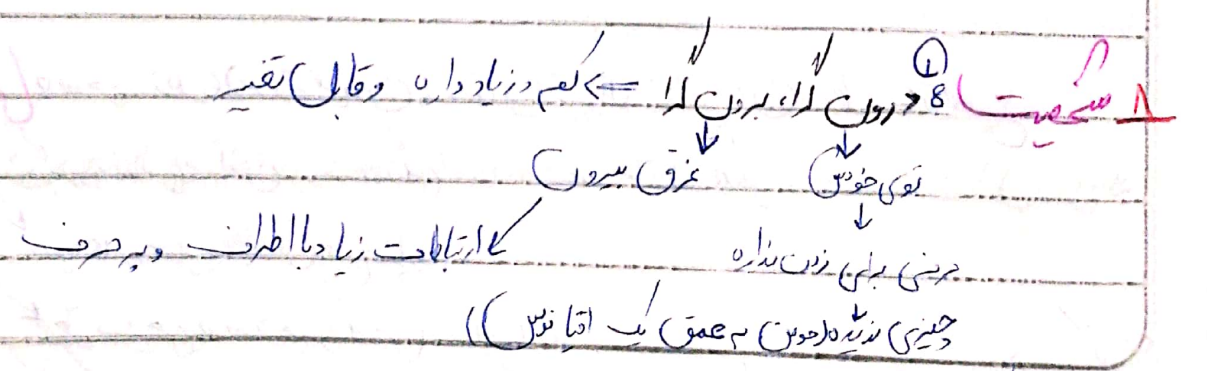
- ۱- ادراکی (۱) مهم وجود دارد یا ندارد - امام علی (ع) با آن از و اجماع فقهی و فرائض و منابع و اکتفا
- ۲- عملیات (۲) یا هم اندازه یا خاتم بر صک یا این تر
- ۳- عملیات (۳) خانواده ها و آن خدیج اعظم متفاوت است اختلاف

- ۴- اقتصادی (۴) تناسب در آن و در دایره - به ایام می تغییر کند
- (مسئله) در مورد در باطن به وجود می آید!
- ۵- نگاه در مورد اقتصاد می آید آیا می تواند یا چه می تواند
- ۶- باید بر عینه کار داشته باشد

- ۵- فقهی (۵) متفاوت بودن فقهی باعث اختلاف می است
- ۶- نگاه از و اجماع را در خصوص تفاوت هر کدام با هم است چون از جای مختلف اند
- از و اجماع از هر یک بهتر است از قعی به قوم دیگر عطا

- ۶- فقهی (۶) باید بهره او از زیاده (بسیار از خود) باشد
- ۷- قدر (۷) اندازه هم یا خاسته از آقا کوتاه تر (تا گوش)
- ۸- انفرادی (۸) مثل هم

سیاسی (۹) تناسب در نگاه سیاسی



دو تاروں کا باہم دو تاروں کا باہم باہم ازواج  
اللہ اللہ میاں خاوند نہ نہایت کرکرم میں تریں در شاہ خاص باہم باہم

۱۰۰ (۱۰۰)

(۱۰) بیان کن کہ درونی بیرونی  
مدام اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ  
شہادت حالوں میں اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ

خلیہ ۳۳

(۱۱) ترمیمی و حافظہ بہ زمین ترمیمی کا کرم و ملی حاصل بہ اجرائی  
درت دارہ برائی تالیف بخوبی و کج چیز را تمام شدن میں سینہ  
نشانہ ۸ لایہ بلوہ

۱۰۰ (۱۰۰)

(۱۲) توافق و عدم توافق ۸

تا سازگارہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ اللہ  
سعی میں اللہ بہ حاجی فرس (خوشی - سن) دلبران رو بیلہ - سن میں سعی کئے  
عدم توافق ۸ سن خوشی و دلبران مرز قائل - قہر و - ساز مخالف و مدام جہہ میں لہرہ

۱۰۰ (۱۰۰)

۱۳) ابرو یا ناہیا اطراف ۶ لہرہ ۸ بھی - بھی - بھی - بھی

نشانہ ۸ لہرہ (۲) طرفہ صرف زدن و تریف مسائل

۱۰۰ (۱۰۰)

بھی ۸ لہرہ (۲) طرفہ زدن (سرورہ میں زدن) - حیات و شہرتوں میں سن = طرفہ توافق

در جزوہ نقاسی میں لکھن از خود کار زنی استفادہ - کتیرہ - اجتناب غلطی -

دیکھہ کار و خوب بہ زمین میں سارند

خوب میں تو نہ توجہہ لاس - ایسا رہ

در علس و قطعہ دور و روشن - در طبیعت ۸ لہرہ و قطعہ ایضہ بہ طبیعت و اجزہ ہم میں کتن (صفت میں)

د علم صحبت من گند

سهمی ۸ بسیار شکر کرده در سا صحبت من الله - جاذب ترین سخنران کمانه بهترین  
که وقتی دارند به کلامی سعی کنند زیر پا خود نشوند حرف من الله

لباسی ۸ آرام و دل - احساس در ماسیک - (من خوان همی نزیف بخش) - ریف جله یا حله و تلو زبون  
ولو و دل - آرام و با احساس صحبت من گند  
مسائل احساس به خاله من بارند - نوی محیط تمام حسون رو به لایر لینه

جنسی ۹ سلام در حال جنس - لولین - مدل دان و طهیدین و از سوار است با ارفتن - با کاشون  
(با کاشون) ترن ولی کترین نزه من آورند  
آرامش در جنیدین من بیض  
سلام حال شرف و کعبان و بازی کاشی بر ترک

نقد نامه کمالی ۸ اساسی ۸ > طریقه صحبت

لباسی ۸ از جنیدین کاشی که بیده حرفه - (نوی) محمود از آنچه شنیدین حرف من از در  
در طریقه ۸ (لباس) شل و آسار صاف - صابر آب و پر نده و جویج بیجا  
لباسی ۸ دست نوی آب نوازی آب و خنلای آن و کوا - لبس کلبت که نوازی من لته  
جنسی ۸ دنبال شیطونی کفر هم چه که من در فتیم بالا درخت طخ

نقد نامه انسان کمالی و بیرونی کما در دارند ولی می توانس با نتر و بیستی تر

خلای ترین کرده بر لب از دواج و کفر لبی با هم کرده خودی اما نصی و جنسی هم خون

لباسی و سه همی

جنسی و لباسی X

بالا ۸:۷۵ و ۸:۷۵

بالا ۸:۷۵ و ۸:۷۵

✓ نظریات نفسی و بالینی (۱۷۵) سنغیت بالا - درک بالا تفاهت بالا

✗ نامان نفسی و عقلی (۱۷۵) خونسون نباشد (تفاهت نفسی بالا) (تفاهت عقلی بالا) (تفاهت اجتماعی بالا) (تفاهت اقتصادی بالا)

آثار طلاق در نامان نفسی آثار بسیار بالایی

۳) بلوغ جنسی عقلی نظام عاطفی اجتماع فرقه اخلاقی اقتصاد

جنسی ۸ تولد مجدد و تفاهت جسمی (۱۷۵) در دوران کودکی (۱۲ تا ۱۸ سال)

بلوغ عقلی در مرحله نوجوانی (۱۲ تا ۱۸ سال)

یا عقلی ۸ عقلی در دوران کودکی - توانایی حل مسئله دارد - درک بالا تفاهت بالا

در دوران بلوغ عقلی در دوران کودکی - تفاهت بالا تفاهت بالا

عقلی در دوران کودکی - تفاهت بالا تفاهت بالا

عقلی در دوران کودکی - تفاهت بالا تفاهت بالا

عقلی در دوران کودکی - تفاهت بالا تفاهت بالا

عاطفی ۸ قابلیت برقراری ارتباط عاطفی با دیگران - احساسات را به موقع بروز می دهد

عقلی در دوران کودکی - تفاهت بالا تفاهت بالا

عقلی در دوران کودکی - تفاهت بالا تفاهت بالا

عقلی در دوران کودکی - تفاهت بالا تفاهت بالا



چه کسی به بلوغ عاطفی برسد ۱۸... بی نگاه اظهار بیان باید بگذرانند که فرد از اجرام است - انتقاد دیگر با خود در نظر بیجا است که حاصل

**فرهنگی** و **گلدیم او** حل راه حل نما و گلدیم او به آیت زینبی - درسی از سن این دیدارها

لنی که نفس در نه جمله می خنده و گلدیم در... بلبره و بهیرت گلدیم نه این که لاقطه می گلدیم (هم بجا نه بتونه بکار شود بلندن)

**اجتماعی** ۸ حضور فعال چشمگیر در جامعه - و مشغول نیست که به علم آموزش در هر جامعه و دوستی اهل شماری - (مخوفانین) جامعه رعایت - تعامل در ارتباط اجتماعی (دوستان و خانوان و...) به انداز ارتباط به نفع می گلدیم

**فرهنگی** ۸ سر یا از اشتیاق و شور به ریختنی است - خوب می بیند خوب در می گلدیم

گلدیم و سبب در افکار و رفتار گلدیم که در هستی به وضوح دیده می گلدیم  
به بران حل نگاه می گلدیم ۸ بهادرم در حال عبرت از دنیا می بیند است  
آند به بلوغ فرهنگی زنده بارندگی مقنی حرم بیند در گلدیم که اشتیاق به زندگی بزرگ - نشاط در تلاشی دیده می گلدیم  
تلاش در مشکلات چالشی و... است - گلدیم و آه نامه از نرسن ترخان متکلمانه ایراد می گلدیم  
از نظر او انسان نگاه می گلدیم تحقیق کردن اند  
گلدیم حاشی می گلدیم به ندانسته نگاه می گلدیم به دانش نگاه می گلدیم و گلدیم گلدیم

**اخلاقی** ۸ خوش اخلاق - مودقار و گلدیم شده در چهار خوب - چه نفس گلدیم - به دهنی بر با انتقال فرهنگی گلدیم  
مفسره نمی گلدیم  
امام رفیع، هلاکام به اشتیاق از دایم ننگید ۸ بیون مدام حرم خود تدر و مفسره گلدیم

**اعتقادی** ۱) مخصوص آقایون ۸ کلماتی به برین کار و در آمد می گلدیم ۹ ظرف گلدیم از آن داردی  
آهیزون بیایس نبایس  
۲) هدف اعتقاد ۸ عبادت بخاری بر باطن است و بیس انداز می گلدیم و خوب به نرسن می گلدیم

کار نیت و دست و حواسی = کار نیت ۸ هر کاری شرافت می گلدیم که دوام داشته باشد

### ۱) رسد نام دلال و دانش همه بلوغ نکا

۴) اصالت خانوادگی (لا حنی هم) به صلح و راستی و خوش گام

از دواغ بارضا (از درخت) = از دواغ ضرب و سب

باید درخت باکی باشد = اگر اصل ۸ اصالت خانوادگی خودی نامم و نامم باشد

خانواده نامم ۸ اعتبار دیر و یا زندان بودنش = این اصالت را زیر سوال نمی برد

نکته

باید مسافر زنجیر رفت = خاندها ۱۰۰۰ زیر ۱۸ که هر دو سالم اما خواهر و برادر مثل زنجیر

که سفلی به خطر من از بی اتنی ایامات

### ۵) سلامت جسمی روحی روانی ۸

از دواغ با ترکیب ممدوع

۲) به دل نشستی (لازم بتو نفع دستوری داشته باشم)

عشق به اس شروع زندگی لازم نیست - اگر این از دواغ که معلوم به سلامت

از ابتدا آفریدن مهر من = عشق زود اقول

اطلاعات ۸ وصال مدفن عشق است

عشق کو را و مانده = عشق بی دواغ = خرید لباسی بی کیفیت و بی دواغ

نکته

نکته

که طرز حرف زدن - راه رفتن - چاهن - تن جدا بکلیل - رنار - تفله - نلگشتی و ... به دل نشستی

(از دواغ خط ناک)

خودت و خانواده

قرود هم

خودت ۸ چون که با او من که می خواستی نشسته دلم چه کنم به حسنی و عفاف

خانواده ۸ نفسی به تو می من خوره من کن من دیدم بیجور می بود

در ارتباط با بطن در حالت ایستاده اشتیاق - التماس - تدریس

اشتیاق ۸ توصیف اما بقیه زمینها هم جور باشد ✓  
الکراه ۸ توصیف نمیکنیم - آرام به تنفس تبدیل صورت  
تدریس ۸ بدیم نه صد اما خوشتر نیستیم (دودی)

تدریس کار ادبانه تا به تقسیم برسد - باید پیش تدریس و تحقیق وقت آنست که گفته  
اند بعد از وقت آمد بدلت نسبت اصلاح میبندیست X

دو نوع حیوانی نظریه (دو) عاقلانه = مستأز عقل و بسیار از سمند  
اجتماعی = همان کم درسی نایب و غلط

خوب موقع خاستن از خواب (من حیاینها عاقلانه)

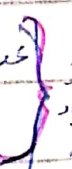
سن مناسب ازدواج دسته ۱۸ تا ۱۹ { اگر کمی مناسب و عیب بود  
۲۳ تا ۲۴ } مانده و خوب خواهد بود

اصول بر پایه برزورد ازدواج کردن = اما این خودشان


خبر اتقادت نسبی لازم ۱۵ دسته کار و در تمام بلوغ عقلی میارزند (بازه نامت هم سرطانی میباشند)

۱) از لحاظ جسمی زودتر بویشی طراب میست و زود در با هم افتد چون بویشی نازکتر

۲) در سنین بالا خنجرهای جنسی کم میباشند

عند هم میباشند در نیاز جنسی - عدم هماهنگی و خواسته ها - حوصله هم برای هم در برابر 

افرد و اوج زود هنگام ۱۸ خانم ۲۳ آقایان ۲۳ خانم ۱۸

سوره شوق جنسی کم - مشاغل زیاد برای بدو دار - مشاغل برای او زیاد   
اجبار در کتلت جنسی - انعطاف بدی کم میباشند - نصیبت بدی کم

جمع سبب معیار ۸ دوازه استباه <sup>له</sup> انزاط <sup>انزاط</sup> انزواج املاتفرنی خطوط قرمز

خطوط قرمز و زرد متفاوت خطوط قرمز خطوط زرد خطوط زرد

خطوط قرمز ۸ مسرود و دود - دروغ - نماز و روز - <sup>ایمان</sup> شمس اعتراف - راز بار - خطوط قرمز  
دعوتی - خطوط قرمز - نعل کمال - سرای - زندگی در یک خانه

خطوط زرد ۸ تنیس - کشف - منزوی - بی عرف و کم خبری - تنبلی - رفق خطوط زرد  
بی ادب - خود سفته - واست به خونخواه - قدوتاه

۵  
۱۰

از دواج ممنوعه (افراد بین دره و ظون) و نسبه که تا حدی در ناله به نوبت ناله هم در هم می خورند نسبه است بلکه  
معامله از رفقت و احداث سوال می کند - چو آتیب زدی؟

۲) و سواستی و عکس و دعوی

۳) افسردگی حاد و مانور و نسبه که سستی از دو هفته زنایس ممکن است - معلوم نیست کی می خورند در هر حال  
ازت نبرد از هیچ چیز - میل به خودکشی (علیه نایسند پس کی می خورند و ...)

۳) ازدواج احساسی و آنکه حافظه نسی شعی عیب ندارد یعنی کسی که بیخیال و از تحقیق صریح است  
ملا از دواج با تدر و تدارک کوشی نگران به مشاور

۵) با عادت ها به شرب و ... و رها خور و ...

۶) ازدواج با کسانی که نامزد داشتیم بهم زدن (طلاق - دوستی و صمیمیت - نامزد داشته چهارده)

۸ و ۹  
بعضی از کس  
X

استیضا و باید بگم ایرادش در آن می بود - باید بداند چه مشکلات - بفرستی در کس با چقدر درگیر و نه +  
X

موانع ازدواج و تحصیلات - سر باری - خواهر برادر بزرگتر که ازدواج نکرده - پسر و مادری که مشکل دارند

۱) تحصیلات و تحصیلات روحی و روانی ده

↓  
اگر درس کی خوبی و علاقه داشتی درسی و یادگیری کی از حقیقتی درس خواندن مانع تو نیست  
تحصیلات برابر با نسبه مانع که (می که درسی بخواند تا مدرسه بهتری به اسم بیار) X

۲) سر باری

از نرفته X می خورند به X  
توی سر باری X  
مخافت و عکس و آبا قاسمی بوده یا لک کوشی بودن  
X

۳) خواهر برادر بزرگتر که ازدواج نکرده و در دنبال ازدواج کنند و مرد مناسب پیدا کنند بود باید همه اینی چون بعد از او حقیقت مانع ازدواج

اما آنکه عکس و لوسه و تفرقه می خورند راه به ازدواج کن و آنکه پسر هم اینی خواست ازدواج و  
در درونی خورن - نسبه خواهر و برادر کن - سکه زوره

۴) نقل پروردگار در زندگی در محدود و حاد و این گفته و پیر منقوع (مثلا طبقه بالایی) الله منقوع  
پروردگار می خواند که این از بر دهنده که عارفان می بینند او را

راه های شناخت برای ازدواج ۳ راه - دوستی قبل از ازدواج - تحقیق ۲) خواستگاری

دوستی قبل از ازدواج ۳ غلط X

چون که در می نشد بی بی اینهم (حضور سلطان)  
آمار غرق شرفی نگاه کنی که شایلی =

تحقیق گویا بالایی ۳ حالت

۱) مراحل تحقیق ۲) منابع تحقیق ۳) عمق ۴) ماب ۵) شوه ماب ۶) سوالات ماب  
۷) ماب ماب تحقیق

۲) مراحل تحقیق ۳) برای سیر قبل خاستگاری با اطلاعات محدود کلی و بیوانی  
برای دفتر بعد خاستگاری

تحقیق تا عقد ادامه دارد یعنی حتی طولانی که این هم دفتر و کیم پیر چند ماه طول می کشد

۷) منابع تحقیق ۸) منبع ۱) هم محل ۲) کسانی که با آنها وصلت کرده اند از هر وسیله در اید خاندان

۳) سلطان و قایل ۴) همکاران ۵) مالارسی و باری دوستی ۶) محل تحصیل هم دانشندان و کیم و دیگران  
از سبب ناخلفی و دوستی ۷) دانشی ۸) دانشی

محل که منحصرا وصلت کنن و انتقال هم بر سر اسم و تلقین - محل تحقیق و کار هم پیر هم خوب است  
دوست و دشمن را از کیم و باری و جو منقوع هر کوم

از هم ۷ منبع تحقیق نه تا و تا ۷ تا ۸ در محل هم معتقد محل بار

امین  
و خوب

پیش از این کسی بی درستی خود را در معاشی دروغ گو و ... حقوق را نتوان مرا که

حقیقت (۶)

تاریخ: ۱ / ۱ / ۱

آن آدمی حقیقت را چه بود گفت حقیقت با من  
ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد  
از من منتهی تا به این حد نرسد  
بصورتی که نخواهد

الرحمة ارقیه بهر سه و در کون من ده و جواب من ده معلوم بدین معنی حقیقی مرا که (حقیق باشد نه نه)  
خود حقیقت را چه بود گفت حقیقت با من  
دوست در من

دوست او کسی که نیست به خودی - آدمی کسی که دوست خود را در آن است که آن ناپسندید (دری خاستگار و دوست باید است)  
آنکه نماند در راه و در راهی مرا که  
حقیق این سخن چه؟ در حق راست میگوید مردم که - آنقدر که نخریب کند باید در در حق حقیق کند و دست کند  
آخرین سخن من باشد که آنکه از من و او سخن نماند حقیق این نام من (۶)

- ۱) حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد
- ۲) حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد
- ۳) صورتی که نخواهد
- ۴) حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد
- ۵) زینک و زینک با من
- ۶) از راه و در راهی مرا که

۷) حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد  
۸) حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد  
۹) حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد  
۱۰) حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد

حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد  
حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد  
حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد  
حقیق ناپسندید و من را چه می بیند حقیقت را که عالم باشد

سفر رفتن با من  
دانشی که در آن است  
دانشی که در آن است

موضوع: خاستگاری کهنه سوالات در تحقیق اعمال و غیره

طراحی سوال برای تحقیق ۱ سوالات باید از قبل آماده @ سوالات نباید کلی نباشند نباید به کلیه موضوعات  
باید دادار به محبت و توفیق شود @ سوالات باید به ترتیب باشد و به هم ربط  
سوالات رکب ایادتی ممنوع (فردی معنادار نیستیم)  
@ آیات درم سوال از شؤون کلابی درکن @ صفات و خوب و بد شؤون صبر @ آیا عمل به عنوان خالص  
آیا خود رشتی در کار با مردم جمع می آید یا نه (صبر و جود است)  
مواد تحقیق ۱ این معرفت علامی در (غریب عرف نشود)  
@ تا کنون حسابی نیندیم سر بینه تحقیق نفس کنی و جود سوال هم کنی که جواب خوبی بین  
@ تا کنون نکات دینی یا تحقیق و هر سوره بر خدا و به در حرکت و تلاشی - یا استخاره و غیره

خاستگاری

تحقیق بلیله با فیه  
حفاظت آماه الی پیش تر باید طول بکشید بلیله تحقیق برای کسی که اول بار  
فصلی نیایم نمود که کلمه باشد  
آراس (ممنوع) باید به چهره واقف خودت باشد  
از لغات و قاصد جنالی استفاده نکنی  
روز خاستگاری ۳ روز جمع بیکات زیاد (امری علی)  
جلسه اول دوم ۳ به هر دو مادر دختر و پسر و داداش و اجنبی بزرگ (دختر بیفون ممنوع)  
به قایل و بنیاد جریان قرار نمی دهم  
به از دو اج انکار اما خاستگاری بنیاد باید باشد

جلسه اول

خوب و بدین طاهر قد اندام خلیل قابل تحمل یا نه اگر چه بدیدیم و در نه من  
خانواده  
جلسه اول با صحبت بیشتر از عرضی است (از آب و کوه و ریاست حرفزدن = چیزی که طاهر است و در کلمات  
شکل در آمد و وضعیت اقتصاد ما - موقعیت اقیانوس و کلمات من اختراع و غیره  
تعداد از راه خانواده یا  
خوب دلیل که می چید = خود نمرد خوب بین است ها = با هر طرف می زنند از روحیات  
کتاب که در چه مورد است موضوعش چیست آیا با نقلی تر کلمات آیات که در آن است  
خوب خاستگاری و کلمه ای بپسند = آیا حرف کلمه را طاهر کرده است

زبان نوازش کلمات



ادب سے سوال ہوگی خود اس سے سن۔ محفلات۔ فرزندِ حیدر۔ کچھ اور سی فونڈ۔ شغل۔ حج بعد فوت روزہ میں  
 یا ختم و حرم و آرد و حرف مرادین؟  
 آج سے چند روزہ ہونے کے ساتھ ساتھ  
 آج سے چند روزہ ہونے کے ساتھ ساتھ  
 آج سے چند روزہ ہونے کے ساتھ ساتھ

وقت خود سے تراشیدنا۔ ماہی اختیار کیا۔ واقعتاً اور خوار ہو گیا  
 ہونے لگی۔ یا حضرت کا یہ کہہ بانوسی شخص سے کہتے۔ چاہیے اور وہی۔ در چند بار تم سے کہتے۔ مخ  
 کے چہیے بیاہیں۔ کچھ یاد آئے۔ لکھتے تھے۔ در چند بار تم سے کہتے۔ یا یہی ہے

معمودت از نظر یا سبب یا غیر رنگیہ ۸ بالسی صورت لکھ لیا۔ صلاحت صورت لکھ لیا  
 ۱۲ کینڈا و آدہ ہائے ۱۳ مانند دست و بار بار ہائے و زار ہائے ۱۴ کچھ چیز تانہ او لکھتے تھے۔ بہت سے ہی ملوا رہے  
 امام علی (ع) ۸ عہدہ در کاسیہ صورت یا نہ دانی (لہذا با جو ان در بیان لکھا۔ سی یا سالہاں و سالہاں ان خبر  
 دین ہاں

پہنچے۔ اول و دوم آگاہ ماضیہ  
 جلسہ دوم ۸ قبل جلسہ دوم آگاہی ہو گیا۔

پہلے تبادل اطلاعات سے لے کر (پہلے سے) در وقت ہونے سے لے کر (پہلے سے) جلسہ دوم حوزہ سے تحقیق کر لی گئی  
 خانوادہ حیدر بہتر تھا۔ یا جسے حرف مرادین  
 رختہ دیر باہر باہر حرف ہونے اتنا (رختہ =) حیدری باہر باہر حرف ہونے (باہر باہر طوائف نامیہ)  
 (باہر باہر دار)  
 حرف اور ضبط لکھتے

۱۱ اصل و لغو انتخاب رختہ تو رط خانوان سے ۱۲ طرح اچھا بات از جلسہ قبل ۱۳ لغو نہیں لکھن وغیرہ کا  
 ۱۴

۱۵ حتمہ دیر در اتنا ۱۶ سوالات اہم دیر ۱۷ معروضی حقوق خوردیوں ۱۸ لکھ لیا و خواب کا سون  
 ۱۹ (کے معروضی حقوق خانوان کا سون

۲۰ بات لکھ لیا سوال در خانوان ۲۱ کلمہ یا سنی معروضی و کلمہ یا سنی معروضی ۲۲

۲۳ تو کلمہ معروضی لکھی و جوابی ۲۴۔ اوں سے سوال جس پر ۲۵ اوں سے لغو نہ لکھتے  
 ۲۶ اوں سے سوالات تو اولیت کھی تو وہم تیرین لغو نہ لکھتے

ملا اللہ کسی زندگی کی - کھیلنا درخشاں جہد رہی

تاریخ: 1/1

سوال کسی بہتر دفعی خورد =

پہلے پتوں کو کٹیں

ابہ الدین دانشغولی والی سوال کا اندازہ لیں گا، خود بنا لیا اور ازواجِ مطہرات سے انکار عوامی ہے

باید زبانی سوال معلوم ہے پھر لکھ لکھ کر لیا گیا ہے، چونکہ کتب میں جہاد سے مراد ہے تو اس کے لئے جہاد کے معنی ہیں

جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا اور جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

سوال خلیفوں کا شمار کیا جائے گا؟

جلالت گفتی

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

ابہ الدین دانشغولی کے سوال کے جواب میں لکھا ہے کہ جہاد کے معنی ہیں کہ اپنے آپ کو دین کے لئے قربان کر دینا

۱) من اولیٰ فی العلم...  
۲) آبادی کے بارے میں...  
۳) سوالیہ...

سوالات دور 3

سوال ۱- اس دور دوران طرف 8 چند...  
آبادی ترقی کے بہترین...  
نظریہ...  
حقدار...  
اگر ازدواج...

سوالات فرزند نداشتن

آپ کو کیا...  
اور اس...

سوالات خاص 3

بہتر خاص...  
درستی...

دیکھا دیکھی

۱) دیکھا دیکھی...  
۲) ...  
۳) ...

سیاسی

۱) سیاسی...

انتقالی

۱۰) انتقالی...  
۱۱) ...

صداقت

۱۱) صداقت...

مستحق نہیں...  
بہتر...

۱۲) **عقلی** (ملفوظات پدیداری) (ملفوظات حضرت اعلیٰ عی) ...

آیا به موقع سرگما را رسید؟ انکم چه کلمی در ضمنه مال ...  
آیا بتون زند بنین جوامع میں؟ از ...  
آیا از چراغ نور اللہ میں؟ آله خاندان صیرانی خواتم حل نشستی می کرد می کنند؟

۱۳) **انفکلافین** از کس و کی؟

۱۴) چگونه زندگی در یک دولتوں بدون مشورت با ختم عزیزین کنید؟ یا ضریب کدین ...  
۱۵) چه وظیفی به اس در صمی بینین چه وظیفی به اس زن؟ آیا کسی ...

۱۶) آیا هر صمی خواستی رسیدی؟ این صمی به موقع ...

۱۷) درون کلمی و بیرون کلمی ... آیا کسی ...  
توقف از عروس و مسافرت اینا نشستی سزا هاید

۱۸) **حیت پذیر و انقطاع پذیر** ۸ ...

آله صرافی ...  
تا حالا ...

۱۹) **مکان کثیر** درون پیدی ۸ ...

۲۰) **ملفوظات عاظمی** ۸ آیا از علامت ...  
موقع سال تحویل ...  
عصیان پدید می آید ...

۲۱) **کتاب زندگی** از لیا خورشیدون می‌باشد و بدون همراهی  $\frac{1}{2}$  =  $\frac{1}{2}$  می‌باشد.  $\frac{1}{2}$  =  $\frac{1}{2}$  می‌باشد.  
 آن‌گاه به مردم + ۸ به بلوغ فرستی که مضمون بیست خطی است  
 خوشبختی در پی بیست است - فکر می‌کنید که در این امر چه اشتباه نهی می‌کنند؟

۲۲) **اشکالیات** ۸ نیز در این بین می‌تواند با این کتابی  
 عاری و مطالب و همچنین کلی که در دست داری و اعتقاد و اینها در این  
 طامع شخصیت خودتون

۲۳) **کتابها و جوامع** می‌خواهم حتما در این بخش و شاغل بشوم - یا هر که می‌خواهد  
 جمله نقد خوب باشد به یکسری اهداف زیر  
 به طرف بخارد اولویت بزرگ <sup>چون</sup> **اطلاق هدف** **انتزاعی** هدف زیر با هم راز  
 من یعنی توانم از خانواده است طولانی در موسم - من به توانم باستان مجردی بر صبر در - راز داری و تلقین غریبی به خود دار  
**لا اقل با و طامع**

۲۴) **در خانواده درجه اول** ۸ کتاب خانواده‌دانی به عقاید - مرکب و هر چند می‌د...

۲۵) **هر چیزی را باید از اول گفت** اما جمله دو جا ستاداری = **حساب** نباید زیاده باشد **اول** **باید گفت**  
 بی تا نرسد و **کتاب**

۲۶) **تشریح** که بعضی راه لازم نیست **بلی**

کتابه  
در جلسه

**جلسه سوم** 8 دقیقه ایام گذاریم - جلسه سوم باید علمی است (کار با یاد از اخص) عامل و وقت قابل توجه  
اطلاعات از قبل بهتون می دهم  
بواب نهایی من خواسته بر این اعتراف بلاایم

بعد از جلسه سوم باید بدید و بباییم خودکامی که در جلسه بدید من در نظر من و واقعی و کوشش

### گرم مزاج با گرم مزاج سرد مزاج

رفتار غیر منتظره 8 وقتی کسی منتظره اتفاقش نیست وقتی اتفاق بیوفته رفتار و انشی او خود واقعی است  
مثلا 8 سره من که خود ز قهره آیدم غلبه میارم؟ به سر زده بیابین و انشی صحیح؟ برآوردن من غدا در سوال  
هر صحیح نایاب میارم همیانی آفرینش بود (انگلیسی یا انگلیسی)

نایاب میارم همیانی 8 آفرینش بود در رفت زود در عین زنده است من نقد است گفتن گفته - در هر حالت  
ان خود منی را از آنرا که کرد ما از این خوب

در هر حالت

**خطای مزاج** رفتار لغت من که از یک سبب بالقوه  
1 دروغ گویم 2 وقت بیلی تر میاید بکنم

زبان بدین 8 یا بد زبان بدین بخونیم

دروغ گویم بدین 8 1 چشم ها 8 اگر مرتب تلا در عین دزد و مدام به سبب در تلاه من گفته

2 استانی 8 که مدام دست خود من هم گذاشته و حالت تنگ نفس گرفته یا خفتن من است کرده و سبب رو سینه که

3 کجا 8 که مدام با خاشا اری که و به هم حسیده (نقد) حینش ایفند  
4 حالت حینش 8 که باره دروغ من که و هم وقت حینش کوزنه

5 پس که من مدام کوشش و بدین  
6 سر و خابین است سر مدام

دروغ گوئی در زبان و لوسی و گمانهای در زبان و حرفی که می زنند (در بیان زبان من کلماتی که در زبان است بعد از حرفی که زده باید بخیزد باشد)

۲) گمانه فنی که است و گمانه لیلیان بین خودیون یا بیستی و ... (وقت می خوار) = به گمانت می رود

۳) در پاسخ به پرسشی که همان پرسشی را متقی می کند و هم خودیون می رود

۴) که در (نه) را می گویند = یعنی آره

۵) پاسخ ها را در قالب نظریه بیان می کنند یعنی ریمونه = به نظر من فلان

۶) سوالات به جای جواب منظور است و به هر چه پرسید می جواب می دهد یعنی دروغ

۷) جملات خبری را بصورت پرسشی بیان می کنند

۸) ما هم از عبارتی استفاده کردیم در رایت گو بودنی صدم بناره ؟ راستش بگوایی حقیقتاً اعلان می کنیم دروغ بگو

اگر در پاسخ به سوالی اقرار می کند - اختلاف رفتن به طرفی شد می ماند و عرق کرد  
ایام بی رویه است که کسی در جواب از آن گفته می زبان و رنگ اخباری مشخص می باشد

۹) حمایت دارد با آنها به 80

ظرفه یعنی آره و می آید دوست بنامم در موردی صحبت کنه - هر چه ظاهر باخته نشون می ده  
کدام بنامه - به تنهایی تصدیق می آید یعنی پرسه کمی می خوری هر چه ؟

پاسخی از جمله زمان بنامه یا املانی - به غیر می آید - به جای جواب نمی بگذران می آید

لاصوات جمع و است نفسی - ما هم احساسی گفته از آن در می آید

خواستگی می آید چون و چرا قبول می آید - از نفسی در حد نفسی که

بریم دلبری می آید - به حقی برسی بگو بین پاسی و راسته

این خوار حرف بر آنه ما هم به امان با پاسی حرف می زنند - ما هم می بینیم که حرفی  
بلکه لا صم می آید می آید

نظراتی که در با تنه بیان می آید حافظه به رنده و شغلی نیست

تقدیر می آید به تنه داشتن امانت بنامه - در حال ما می آید که کار می آید و لاری به هر دو عقلی هر سیزده

زبان به خوابین صبر رنده

صدار فتنہ اللہ علیہ

بینہ الہ بخوار

۱) در احسن مرحلہ

۲) جس جس اسرار

۳) شرطی سن سر

۴) دون مقصدات

۱) بلہ ہونے بعد از ۱۰۰۰ روز

در حضور بزرگان و مہمان مہربان - آہ محمدی - طمان عقد و نیک - حلقہ دارین

جلسہ گفتگو

۲) ہوا - لادین

توی مہربان ملی جولوہی از تنش و اصطلاح بالا و پائین کردن مہربان از قبل بخوان کہ و عروس و داماد و اقارب  
کے ہوں یا عہد چہ داری از تنی و خونہ - مائش - نیک - اجارہ بہار حقہ لہری فن و سفر مکہ  
یا تعاف حقہ یاد لہری یک فن

خون از ہر تہ مادہ عقلی دارم باعث بقہ غلط ہے مہربان یک بستنیانہ در مہربان و اناریت  
کھدیو پستی کس و داماد و دست و جوابہ مرد کسی مہربان سے بپائین نشان دارن تو صہ و خانہ بکار  
آداب کھدیو رعایت لہری  
میں دارم بہت

کھدیو رعایت لہری دار و دار از رعایت تو کھدیو لہری = قابل بہ راحت باشہ

۱) زندگی مادہ رخ شروع حیا سے مہربانی ۲۰۰۰ کہ ملی حیا تو منی ہا

۲) مہربانہ انراض زیادہ ہا کہ فکریہ طمان زیادہ ہا ہے

۳) انتظار بالا از چہیزہ

۴) ازدواج شرف مہربانہ (طبق لہری ہا مہربانہ)

توقف و عقود زنی - فرار - حمد ہ زنی

۱) اعلام صداقت و زندگی است

۲) تولد زیادہ ہا کہ خدہ بستنیانہ سے

۳) ازدواج آسان

۴) بیرونی از سنت الہی و انہ



جزیه ۸ شرط عقد و وظیفه خدمت است = اگر قدر شود در ۱۰ سال

کافران توبه جزیه ۸ لکن در اعزازت را ۷ اگر مقهور است - ۳ در صورت امکان خود سرو

بسی (مغایب) ۸ ۱ فقهار مغایب بوسه ببرد ۲ قطع بازرگانی برهن چون زود مهتر به ۳ اسراف دولت فرجی

عقد ۳ بعد از عقدیم هم نگاه کردن خدا را صحت به آن نگاه مت حکم را بلیه نه نگاه از دست نون مس روزه

کابرای عقد علی مدوع

همه بندهای ازدواج باید ایضا کند

عقد ← نکند ← عروسی

۴۰۰۰ زمان ۶ ماه (۴۰۰۰ نفرین زمان)

جدا شدن تدریجی از خانواده ما براسی به حضورنداشی در خدمت عادت

بلد نیت براسی استقلال قوی این دوران به کونی هم جزیره - آشنایی اینها آراجه آیم

زمان براسی ~~ترسیم~~ خانه و جهنم به

زمان براسی انسی رفتن با جسی مخالف بدلیل احوالات احاطه ارتباط نداشت

اشفای بی در خاندان ما هم - بی بودن به جزئیات درونی کهدیده

زمان براسی فریب سلیق و فریب معایب خودمان براسی تکامل و در - نزدیک کردن در نزدیکی خودمان

در دوره ناسازگار خرابی در خانه عروسی مدوع = کلام مدوع همون (عکس)

ازدواج باید هم موعه نسبی به اطعام دادن - هم و صدای کن دست عروسی بود

تسمه بهستی از این غذا می آید

چند فقیه دعوت کند غذا بخورن

براسی خرج عروسی همکاران تسمه تسمه این این بی عدالت

**باتحقی و غلطاً**

اگر حلب اول ایسی تا حدی اولی بود جیناں کہ حسبی مہ پر سی مثلا نماز 8 ایسی سے پہلے اول وقت میں ہو گیا ہوگا  
اگر مثال ایسی سے رجحان سے پہلے سے خواہ سنہ ۲ میں جواب دے؟  
پرسش حساب سال 8 کلمہ کہ حسبی پہلی حسبی درجات انہ کا کسی ایسے میں دو دن میں حکمت

**پرسش آگیا مقصد خود نون او میں**

سوال کسی ایسی ہلکہ کہ پہلے پہلے بعد سی نظر خود نون بطین کہ تصور ارشاد تو کھنسی عذر  
سیرت کہ چقدر بہ دسم نزدیک 8 مثلا جاپیہ درجہ حد تعریف میں کہتے  
زوال مختلف شخصیات در محیط لوناؤن (رنگ - اجسام - خابیل جاناؤں)  
عاشق نون

**صائق**

سوالی کہ جواب کہ کھنسی

**ظہر ہو جو در باہر و مادیسی (مورناہ میں ایان)**

کھنسی از کسی سوال میں پرسش لجا کلمہ کہ حسبی (عمر حاسبی) کہ لگاؤ اوں ضرور مودر در مذکور آئندہ ہی حوالہ ہو در  
وقت آئندہ اعتراض باو آئیں

✎

① در حسبتی (صورت) البتہ

✎

② ظہر دور و نزدیک ✕ در مذکور (3) اگر شکل و جہاں کہ دادہ ظاہر ہو جو در کہ پرسش سوال

③ صحت ظہری سبب ✕

در حوالہ ایسی ہلکہ کہ پہلے پہلے بعد سی نظر خود نون بطین کہ تصور ارشاد تو کھنسی عذر